

سیاست تشدید سرکوب و اختناق و مقابله با آن

دستگیری، شکنجه، محکومیت های طولانی زندان، اعدام و قتل مبارزان سیاسی، اجتماعی و عقیدتی در کنار سانسور کتاب، فیلم، موسیقی و بستن روزنامه ها و نشریات، فیلتر کردن رسانه ها و حمله سایبری به سایت ها، ممنوع کردن فعالیت روشنفکران و هنرمندان و در همان حال شستشوی مغزی و تحمیق و تحریک مردم از طریق رسانه های دولتی و تریبون های مذهبی روش دائمی رژیم جمهوری اسلامی ایران است. این روش در شرایط بحران اقتصادی، درگیری های سخت بین بخش های مختلف طبقه سرمایه دار برای کنترل منابع و وسایل تولید و غارت دسترنج توده ها، اختلافات در زمینه سیاست داخلی و خارجی و غیره شدت بیشتری به خود می گیرد. اکنون شاهد چنین وضعیتی در ایران هستیم.

دولت روحانی به رغم وعده بهبود وضع زندگی مردم و گرداندن چرخ اقتصاد، همچون سلف خود در گل مانده است. تنها امید او پس از انجام مأموریت توافق هسته ای، عادی شدن روابط اقتصادی با غرب، افزایش درآمد نفت و گاز و پتروشیمی و غیره و ورود سرمایه های خارجی (از جمله سرمایه های سرمایه داران ایرانی مقیم خارج) به ایران است.

رژیم جمهوری اسلامی و از جمله دولت روحانی همچون زیر مجموعه این رژیم، برای پیشگیری از تشکل یابی احتمالی آینده جنبش کارگری در حال افزایش فشار بر فعالان کارگری است. دستگیری فعالان کارگری و تهدید آنان به سر به نیست کردنشان، که گاه واقعاً به عمل درمی آید، یک عرصه مهم از سیاست تشدید سرکوب و اختناق است.

اما سیاست سرکوب، محدود به سرکوب کارگران و ترور و ارعاب فعالان کارگری نمی شود. عرصه دیگر این سیاست، تشدید سانسور و اختناق در عرصه های فرهنگی و هنری، تحمیل الگوی مدارس دینی به دانشگاه ها و خفه کردن هرگونه آزادی در مؤسسات آموزشی و به ویژه افزایش تبعیض، تحقیر و سرکوب زنان است.

تشدید رقابت بین جناح ها و دار و دسته های مختلف حاکم برای کنترل وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پس از توافق هسته



شماره ۴۳ - آبان ۱۳۹۴

نوشته های این شماره:

- سیاست تشدید سرکوب و اختناق و مقابله با آن ص ۱
بلعیدن زمین و دیگر منابع طبیعی: عرصه ای دیگر از غارت و چپاول حکومتیان ص ۲
درسی از مکتب ارتجاع ص ۶
چهار شعر از ناظم حکمت ص ۱۰
کارزار اعتراضی به ۳۷ سال جنایات رژیم جمهوری اسلامی ایران به مناسبت سفر روحانی به فرانسه ص ۱۳
روحانی: نماینده رژیم اسلامی متکی بر اعدام، شکنجه، سنگسار، اختناق، سانسور و ترور در پاریس! ص ۱۴

برای ارتقای خیزش ما به یاری همه جانبه

انقلابیان پرولتری نیازمندیم

ruwo.iran@gmail.com

بلعیدن زمین و دیگر منابع طبیعی:

عرصه ای دیگر از غارت و چپاول حکومتیان

شیده رخ فروز، آبان ۱۳۹۴

با وجود آنکه سرمایه داران و زمینداران حاکم در تمامی طول حیات خویش، هیچ فرصتی را برای کسب ثروت و درآمدهای هنگفت و دستیابی به ابزارهای تسلط و قدرت از دست نداده اند، ولی در ماه های اخیر اقتضای پیرامون پرونده های فساد «زمین خواری» در رسانه های رسمی چنان بالا گرفت که ولی فقیه، نمایندگان مجلس و مسئولان را مجبور به واکنش کرد. همین غارتگران که خود و باندهای وابسته شان در برخی مناطق حتی خاک را به توبره کشیده و به فروش رسانده بودند، اکنون از مبارزه با «زمین خواری» و بعضاً متوقف شدن آن داد سخن سر داده اند. واقعیت ها نشان می دهند که ابعاد قضیه پیچیده تر از اینها است، و نه تنها زمین بلکه جنگل، دریا و سواحل، رودخانه ها، کوه ها و کویرهای ایران نیز عرصه تاراج و بخوربخور دیگری برای این دزدان حکومتی است.

رئیس کمیسیون قضایی مجلس الهیار ملکشاهی قضیه «زمین خواری» را این گونه توضیح می دهد: «چنین جرمی، با این عنوان، به طور رسمی در قوانین ایران تعریف نشده است. منظور از آن "تصرف، تملک و تصاحب اموال دولتی، منابع ملی و منابع طبیعی همچنین عرصه رودخانه ها است". به این تعریف باید موارد کامل تری از آنچه روی داده است را نیز افزود، به مواردی از اعمال نفوذ برای تغییر کاربری اراضی هم زمین خواری می گویند، از خانه و ویلا ساختن در زمین های کشاورزی و صنعتی گرفته، تا سوءاستفاده در تغییر کاربری زمین هایی که در اختیار نهادهای حکومتی قرار دارند. استفاده از "رانت اطلاعاتی" هم به عنوان یک راه دیگر زمین خواری ذکر می شود، یعنی تملک زمینی که با اجرای طرحی دولتی، که عموم مردم از آن مطلع نیستند، قیمت آن در آینده نزدیک زیاد خواهد شد. از این راه ها می شود با بهایی اندک صاحب زمینی شد که خیلی می ارزد.»

ای به منظور کنترل اهرم های اصلی اقتصاد، سیاست و فرهنگ به نوبه خود به تشدید اختناق می انجامد. یکی از ابزارهای رسیدن به این هدف، کنترل انتخابات آینده مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان است. هرچند مجلس در ایران در عرصه تصمیم گیری های سیاسی و اقتصادی و امنیتی حرف اول را نمی زند و نهادهای وابسته به ولایت فقیه و نیروهای نظامی و امنیتی و تا حدودی مجمع تشخیص مصلحت در این زمینه ها تعیین کننده اند، با این همه مجلس در عرصه تخصیص منابع (از جمله بودجه عادی و عمرانی و چگونگی توزیع درآمد نفت)، قوانین مربوط به یارانه ها، قانون کار و قوانین مربوط به هزینه های اجتماعی، منابع طبیعی و غیره نقش دارد. از این رو در تمام دوران حیات رژیم اسلامی در ایران، کنترل مجلس یک عرصه مهم رقابت بین جناح ها و دار و دسته های مختلف بوده است. اما انتخابات مجلس در همان حال می تواند ریسک هائی نیز برای رژیم یا جناح های آن داشته باشد. از همین رو، سیاست سرکوب و اختناق، همچون وسیله ای برای پیشگیری از رویدادهای غیر منتظر برای رژیم، به ویژه جناح خامنه ای و دار و دسته های نظامی و امنیتی اهمیت دارد.

بدین سان مؤلفه های مختلفی برای تشدید اختناق و سرکوب وجود دارد که طبقه کارگر و نیروهای انقلابی باید آنها را در مبارزات روزانه، کوتاه مدت و میان مدت خود در نظر بگیرند.

ترکیب درست کار مخفی و علنی، حفاظت از فعالان و امکانات مبارزاتی و در همان حال گسترش آگاهانه فعالیت ها در عرصه های مختلف و در حوزه هائی که رژیم ضعیف و آسیب پذیر است، یکی از نتایج این وضعیت است. روشن است که با قدرت یابی مبارزات کارگران و زحمتکشان، تأثیر سیاست اختناق و سرکوب کمتر می شود و با اوج گیری مبارزات مردم، سیاست سرکوب کارآئی خود را هرچه بیشتر از دست می دهد. بدین سان مقابله با سیاست تشدید سرکوب و اختناق نه در خود فرو رفتن بلکه پیگیری بیشتر و آگاهانه تر در مبارزه و پرهیز از تلفات بیهوده است.

کارگران انقلابی متحد ایران

آبان ۱۳۹۴

خیزش ارگان کارگران انقلابی متحد ایران

بوده است. یکی دیگر از مقام‌های عالی که نامش در این رابطه مطرح شده کامران دانشجو است که متهم شده به عنوان استاندار تهران در دولت نهم، در مورد ۱۵۰ هکتار زمین در لواسان "مجوزهای غیرقانونی" صادر کرده است.

واقعیت این است که اساساً این روند و رشد فزاینده تملک زمین‌ها و املاک آن چیزی نیست که متعلق به چند ماه و چند ساله اخیر و توسط تتی چند از افراد صورت گرفته باشد. از همان آغاز قدرت یابی رژیم کنونی، وسیع‌ترین اراضی، املاک، ثروت و منابع طبیعی به جا مانده از رژیم قبلی توسط دولت و نهادهای وابسته به آن مصادره و قبضه گردید. نهادهایی همچون وزارت مسکن، سازمان ملی زمین و مسکن، شهرداری‌ها، بنیادها، بانکها، جهاد، آستان قدس رضوی، بنیاد مستضعفان، ستاد اجرائی فرمان امام، سازمان اوقاف و غیره خود بزرگترین زمینداران سودجو، متحد و حامی زمینداران خصوصی و زمینه ساز افزایش درآمدهای هنگفت و افسانه‌ای آنها هستند.

اما چرا تملک انحصاری اراضی و املاک در دستان دولت و نهادهای تابع و بین باندهای حاکم از اهمیتی چنان بالا برخوردار است که اشتهای سیری ناپذیر حاکمان به بلعیدن کوه و کویر و جنگل و دریا، عرصه‌ای دیگر برای تاخت و تاز و تشدید درگیری‌های فی مابین گشته است؟ توجه به این نکته با اهمیت ضروری است که مالکیت بر زمین، جنگل، معدن، مرتع، منابع طبیعی آب و غیره برای مالکان آن، حق دریافت اجاره از سرمایه دارانی که این منابع را اجاره می‌کنند، به وجود می‌آورد. یعنی از ارزش اضافی‌ای که این سرمایه دار مستأجر از کارگرانی که روی این زمین و منابع طبیعی کار می‌کنند، استثمار می‌کند. زمینداران صرفاً به دلیل مالک بودن، بدون هیچ‌گونه کار و شرکت در روند تولید اجتماعی و حتی بدون هیچ‌گونه سرمایه‌گذاری و پذیرش خطر، بخشی از کار یا به عبارت دیگر بخشی از اضافه ارزش تولید شده توسط کارگران را استثمار می‌کنند. این یوچ بودن مالکیت خصوصی وسائل تولید به ویژه مالکیت خصوصی بر زمین را آشکارا نشان می‌دهد. اگر بخش‌هایی از سرمایه داران و نمایندگان فکری و سیاسی آنان نیز از «زمین‌خواری» و «بورس‌بازی» بر زمین و غیره شکایت دارند در واقع خواستار

اما این «زمین‌خواران» که آن قدر قدرت و پشتوانه دارند که ثروت و منابع عمومی جامعه را به راحتی و با استفاده از «رانت اطلاعاتی و تغییر کاربری، دستکاری اسناد ملکی و هویتی گرفته تا تصرف عدوانی و رشوه، تبانی یا سوءاستفاده از نفوذ در دستگاه‌های دولتی»، به مالکیت خود تبدیل کنند، چه کسانی هستند و وابستگی‌شان از کجا می‌آید؟

«اغلب موارد بزرگ زمین‌خواری دو خصیصه مشترک دارند. ویژگی اول این است که با همکاری چند نفر و به صورت گروهی یا "باندی" انجام می‌شوند. مطابق تحقیقی که سرهنگ محمد رضا مقیمی، معاون مبارزه با جرایم اقتصادی، انجام داده است، ۴۳ درصد از موارد زمین‌خواری کشف شده در سال ۱۳۸۸ به صورت باندی انجام شده بودند. ویژگی دیگر بسیاری از پرونده‌های زمین‌خواری بزرگ این است که به نحوی به یک نهاد حکومتی مربوط می‌شوند و در حاشیه آنها بحث اعمال نفوذ بعضی مسئولان حکومتی و گاه مقام‌های عالی در میان است. در نمونه‌گردنه حیران، کمال‌الدین پیر موزن و صفر نعیمی، نمایندگان اردبیل و آستارا در مجلس، متقابلاً یکدیگر و بستگان یکدیگر را به دست داشتن در زمین‌خواری متهم کرده‌اند. سال گذشته هم مقداد نجف‌نژاد و احمد توکلی، نمایندگان بابل و تهران در مجلس، به همدیگر اتهام زمین‌خواری زدند. آقای نجف‌نژاد، آقای توکلی را متهم کرد که چند هزار متر زمین را در شهرک غرب با تخفیف فراوان از بنیاد مستضعفان گرفته و متعهد شده که بخشی از عواید آن را به یتیمان اختصاص دهد اما این کار را نکرده است. در مقابل احمد توکلی هم او را متهم کرد که بخشی از املاک و پلاژهای مصادره شده خاندان پهلوی را به عنوان هیات امنای صندوق قرض‌الحسنه از بنیاد مستضعفان گرفته و تفکیک کرده و فروخته است. محمود احمدی‌نژاد هم وقتی که رئیس جمهور بود، با متهم کردن یکی از چهره‌های پرنفوذ جمهوری اسلامی گفت: "کسی که در اطراف تهران ۳۰۰ هکتار از بهترین زمین‌های دولت را سال‌ها است تصرف کرده و وزیر جهاد کشاورزی قبلی زورش نرسیده و تاکنون وزیر فعلی نیز نتوانسته کاری کند." پس از حرف‌های آقای احمدی‌نژاد با افشای مدارکی در رسانه‌ها روشن شد منظور او پرونده زمین‌خواری چند صد هکتاری محمد جواد لاریجانی، برادر رئیس قوه قضاییه و رئیس مجلس ایران،

خیزش ارگان کارگران انقلابی متحد ایران

پلاژ و هتل در اراضی کشاورزی (تغییر کاربری) و سواحل شمالی کشور، ساخت و ساز در رابطه با اجرای طرح های تجاری، اقتصادی، صنعتی، گردشگری و پاساژ سازی در سواحل، حریم دریا و جزایر جنوبی، ساخت هتل و مهمانخانه در اراضی کویری برای جلب توریسم و گروه های تحقیقاتی کویری، ساخت رستوران، ویلاسازی غیر مجاز در اطراف تفرجگاه های عمومی، جاده سازی و معدن کاوی در حریم دماوند و...

شیوه های تصرف زمین و انجام اقدامات زمین خواری خود حدیثی مفصل از عمق فساد سراپای موجودیت ننگین رژیم است که از تمامی حیات جامعه و هست و نیست کارگران و بی چیزان ارتزاق می کند و فربه تر می گردد:

«ایسنا گزارش داد منطقه جنگلی اجت، با تنها دو خانوار، در سال ۱۳۹۲ روستا اعلام شد و به این ترتیب مراتع و زمین های جنگلی به زمین های روستایی تبدیل شد که در آنها اجازه ویلاسازی وجود دارد. به این ترتیب با قطع درختان اراضی بیشتر ملی، ویلاهایی ساخته شد، که تابناک می گوید مالکان برخی از آنها از "نزدیکان برخی از مسئولان" هستند. تابناک از قول یک کارشناس اداره فنی تقسیمات کشوری، که نامش ذکر نشده، نوشته است که این شگرد محدود به مورد اجت و ورسک نیست، به گفته او "در برخی جاها با رساندن برخی مناطق به ۲۰ خانوار، از نظر شکلی منطقه را به روستا تبدیل کرده و بعد اقدامات خود را به انجام رسانده اند؛ اما یکی از این مناطق که به صورت حاد در حال پیگیری است، مازندران است. ... ابعاد زمین هایی که با این شیوه ها تصاحب می شوند گاه بسیار بزرگ است. در یکی از پرونده های مربوط به دهه ۱۳۸۰، شخصی برای تصرف غیر قانونی ۱۲۰۰ هکتار از اراضی ملی در نزدیکی شهر پردیس، در شرق تهران، مجرم شناخته شد (برای اینکه تصویری از بزرگی ۱۲۰۰ هکتار زمین داشته باشید در نظر بگیرید که مساحت بابلسر، با ۵۰ هزار نفر جمعیت، حدود ۱۶۰۰ هکتار است) این فرد برای تصرف چنین زمین بزرگی، که در سال ۱۳۸۷ ارزش آن ۳۶۰۰ میلیارد تومان برآورد شده بود، تنها به بازگرداندن زمین ها و نه ماه حبس محکوم شد." "حیدرزاده (مدیرکل حفاظت محیط زیست استان تهران) در پایان ضمن هشدار نسبت به افزایش

لغو یا کاهش حق اجاره اند تا بتوانند به جای پرداخت آن به زمینداران، این بخش از ارزش اضافی را نیز به صورت سرمایه انباشت کنند یا خود مصرف نمایند. در جامعه سرمایه داری ایران بزرگترین نقش مالکیت ارضی یا زمینداری بزرگ، یعنی استثمار رانت ارضی (یا اجاره زمین)، در قبضه دولت و ارگان ها و مؤسسات تابع آن و نیز بنیادهای وابسته به رهبری است.

«الهیاری ملکشاهی، رئیس کمیسیون قضایی مجلس هم مثل معاون بنیاد مسکن یکی از نقش های اصلی در زمین خواری را به مقام های حکومتی می دهد و می گوید این تخلف یا سهل انگاری بعضی مسئولان در نهادهای حکومتی، از دولت گرفته تا قوه قضاییه و پلیس یا حتی مجلس است که به گسترش پدیده زمین خواری منجر می شود. ... در پرونده خبرساز زمین خواری گردنه حیران نام مقام های حکومتی و چند نماینده مجلس مطرح شده است. ... سال گذشته آیت الله علی خامنه ای، رهبر ایران، از گسترش زمین خواری انتقاد کرد و خواهان "برخورد قاطع" با آن شد. ... او گفت: "ثروت عمومی را تبدیل کنند به ثروت شخصی خودشان، خیلی رنج آور است. حالا بحث زمین خواری یواش یواش شده کومه خواری! بنده گاهی که می روم ارتفاعات شمال تهران و نگاه می کنم، انسان واقعا خیلی متاسف می شود. بارها من در دیدار با مسئولین شهری و مسئولین دولتی و مانند اینها این مسائل را در میان گذاشتم". ... به قدری این آش شور شده آسیب زنده بود که آیت الله خامنه ای در حقیقت مجبور شد که تحت فشار دولت چنین موضعی بگیرد. به این خاطر که بخش بزرگی از تغییر کاربری اموال ملی در کشور توسط نهادهای وابسته به روحانیون یا نهادهای مذهبی با اهداف ظاهری انسان دوستانه یا مذهبی انجام می شود. تحت عنوان ساختن حوزه علمیه، مسجد یا نهادهای خیریه. در حقیقت به این معنا مورد استفاده قرار نمی گرفت. صرفا تغییر کاربری بود برای اهداف شخصی و اهداف سیاسی و غیر عام المنفعه.

از سوی دیگر تأسیسات و بناها و شبکه های زیرساختی که روی این زمین ها و منابع عمومی متعلق به جامعه، بر پا می گردد (و سرمایه محسوب می گردد)، درآمدهای سرسام آوری را نصیب سرمایه داران این عرصه سودآور ساخته است، مانند ساخت ویلا،

خیزش ارگان کارگران انقلابی متحد ایران

عمومی و بهره برداری جوامع محلی صورت گرفته است، که این امر هم جرم تلقی می‌شود.»

از سوی دیگر نقش زمین و افزایش قیمت آن و اجاره در هزینه مسکن خانوارها در ایران که بخش عظیمی از درآمد آنها را می‌بلعد نیز روی دیگر قضیه است. وضع مسأله مسکن در ایران بسیار وخیم است و بار سنگین هزینه مسکن بر دوش توده های مردم و به ویژه بر دوش کارگران و دیگر زحمتکشان است که حتی قادر به پرداخت اجاره برای یک مسکن مناسب نیستند. هرچه زمان پیشتر می‌رود قیمت زمین و مسکن افزایش بیشتری می‌یابد و شمار هرچه کمتری از خانوارها قادر به خرید مسکن مناسب و ایمن و یا اجاره خواهند شد. این در حالی است که سلطه زمینداران و به ویژه سرمایه داران رشته ساختمانی با ثروت های میلیاردی بر مسکن توده مردم نقش روز افزون خواهد یافت. افزایش اجاره نشینی و کاهش مسکن ملکی، و به ویژه کاهش مالکیت زمین مسکن، روندی است محتوم، که با رشد نظام سرمایه داری و تبدیل هرچه بیشتر زمین به چیزی دارای قیمت انحصاری همراه است. تا هنگامی که ساختار پوسیده و عقب مانده سرمایه داری در ایران به حیات خود ادامه می‌دهد و تمامی مناسبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر محور سودورزی اقلیت و نیاز اکثریت محروم جامعه متکی است، امید به بهبود اوضاع، خیالی باطل است. مبارزه همه جانبه و اقدام مستقیم و انقلابی علیه بساط نکبت بار حاکم و اداره تمامی امور جامعه به دست کارگران و توده های محروم، یگانه راه ممکن و عملی رهائی جامعه است. انحصار زمین در دست خانوارهای هرچه کمتری در کل کشور و سلب هرچه بیشتر مالکیت توده های مردم بر زمین، آن عاملی است که خواست اجتماعی شدن مالکیت زمین را انجام پذیر و برحق می‌گرداند. معنی عملی لغو مالکیت خصوصی زمین و تبدیل آن به ملک همه شهروندان جامعه این است که دیگر هیچ زمینی سند مالکیت شخصی نخواهد داشت و خرید و فروش نمی‌شود و از کسی به کس دیگر به ارث نمی‌رسد، بلکه حق بهره وری از زمین با برنامه ریزی اجتماعی برای مصارف گوناگون در اختیار نهادها و سازمان های اجتماعی و تعاونی ها قرار خواهد گرفت. مالکیت اجتماعی بر زمین یک عامل اساسی ریشه ای حل مسأله مسکن است، زیرا با این عمل اجتماعی که موجب می‌شود زمین فاقد

زمین‌خواری در روستای رینه دماوند گفت: این روستا نزدیکترین نقطه به دماوند است که علاوه بر وجود مشکل زباله در آن بحث خرد شدن زمین و فروش آن یک خطر جدی است و کوه‌خواری به معنای واقعی کلمه در آنجا اتفاق می‌افتد.»

بخشی دیگر از آثار مخرب و جبران ناپذیر سوداندوزی سرمایه داران متوجه محیط زیست و در معرض خطر قرار گرفتن گونه های جانوری و پوشش گیاهی و به طور کلی نابودی طبیعی است که حیات کنونی جامعه و نسل های آینده بدان وابسته است، این روند از رشدی فزاینده برخوردار است: «دریاخواران و زمین خواران، علاوه بر تجاوز به حریم دریا، مناطق حفاظت شده محیط زیست را هم تخریب کرده‌اند. ... در استان های جنوبی حاشیه خلیج فارس و عمان، دریاخواران دل به دریا زده و در مناطق کم عمق، به خشک کردن دریا اقدام کرده و بدون توجه به حریم ۶۰ متری دریا، ساخت و ساز می‌کنند. این درحالی است که بسیاری از این ساخت و سازها، دریاخواری‌ها و آسیب رساندن به محیط زیست توسط نهادها و سازمان های عمومی و بدون توجه به قوانین، صورت گرفته ... دریاخواری پدیده ای تقریباً جدید در کشور ماست که در راستای آن بخشی از آب دریا به منظور اهدافی همچون توسعه صنعتی و تجاری خشکانده می‌شود و املاک تجاری و صنعتی چون طرحی نخراشیده از آب های کم عمق ساحلی سر بر می‌آورد. این پدیده مخرب که در برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز مشاهده می‌شود، اکنون سواحل جنوبی کشور را نشانه رفته و نه تنها با روندی افزایشی در حال اشغال و تصرف سواحل آزاد جنوب است، بلکه زیستگاه های آبی این سواحل را نیز که از نظر زیست محیطی و به دلیل وجود آبزیان متنوع، مرجان ها، جلبک ها و جنگل های حرا، دارای اهمیت بسزایی است، به شدت تهدید و حتی تخریب می‌کند. ... نگهداری از دماوند باید در حد پارک ملی باشد و هر نوع بهره برداری از آن را منتفی کنیم و بهره برداری باید صرفاً برای کوهنوردان حرفه ای باشد و گردشگرانی که از زیبایی این طبیعت استفاده کنند. جاده سازی در اطراف دماوند هم بزرگترین اشتباهی بوده که صورت گرفته، و قرار است این مسأله پیگیری شود. تخریب پوشش گیاهی نیز در اثر میزان بالای بهره برداری از این منطقه در بحث گردشگری

مجله ماهانه «همایون» در سال های ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴، و مجله ماهانه «راه سلامت» در ۸ شماره در سال ۱۳۱۶ «از سوی جمعی از فضلالی حوزه علمیه قم و با پشتیبانی مادی و معنوی مرجعیت شیعه، در شهرستان قم» و یک سری از مجلات و روزنامه های دیگر، از این قبیل، حتی در شرایط اختناق رضا شاهی منتشر شد. مجله دوهفتگی «مجموعه حکمت» در سال ۱۳۳۱ از سوی «خاندان برقی» انتشار می یافت. برقی ها «در بازار بزرگ و معروف قم مرکز توزیع کتاب و لوازم التحریر فروشی داشتند و به موازات آن، یک چاپخانه ای دایر کرده بودند به نام "چاپخانه حکمت"». «اغلب نویسندگان [این] مجله، فضلالی معروف آن زمان حوزه علمیه قم بودند که بعدها از اساتید و علما و مراجع آیات محسوب شدند. اسامی بعضی از آنها که در شماره های مختلف مجله آمده عبارت بود از: ابوالقاسم دانش آشتیانی، سید ناصرالدین آرام (مسئول کتابخانه آستانه مقدسه قم) شیخ مجتبی عراقی، شیخ ابوالفضل زاهدی قمی، شیخ مرتضی مطهری، ناصر مکارم شیرازی، محمد واعظ زاده فراغ، جعفر سبحانی، حسین نوری، علی دوانی، محمد یزدی، حیدرعلی قلمداران و اینجانب (سید هادی خسروشاهی - از تبریز)... که اتفاقاً اغلب آقایان هم، با توجه به شرایط حاکم بر حوزه، از نام مستعار استفاده می کردند!» دوره جدید «مجموعه حکمت» از سال ۳۲ تا تیرماه سال ۱۳۴۰ با همکاری «اساتید قم و تهران، از جمله مرحوم آیت الله طالقانی، استاد مهندس بازرگان، مهندس معین فر، مهندس محمد باقر رضوی و دیگران» انتشار یافت.

در سال ۱۳۳۱ کتاب «اسلام یا کمونیسم از خدا پرستی تا خود پرستی» نوشته مهندس مهدی بازرگان انتشار یافت. در سال ۱۳۳۴ کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» نوشته محمد حسین طباطبائی تبریزی برنده جایزه سلطنتی شد. در فروردین سال ۱۳۳۵ کتاب «فلسوفانماها» نوشته ناصر مکارم شیرازی برنده جایزه اول سلطنتی سال گردید. وجه مشترک همه این نشریات مبارزه با اندیشه مادی و علمی، تخطئه کمونیسم و انباشتن اذهان خوانندگان، به ویژه جوانان، از خرافات و یا بندبازی های فکری ایده آلیستی و متافیزیکی به ضد اندیشه انقلابی و رهائی بخش ماتریالیسم دیالکتیکی و جنبش کمونیستی بود. از این رو رژیم شاه نه تنها با انتشار وسیع این نوشته های روحانیان سیاسی مخالف

قیمت شود نقش آن به عنوان یکی از عواملی که بخش بسیار بزرگی از قیمت مسکن را تشکیل می دهد به طور کامل حذف می شود. از این هنگام است که با برنامه ریزی اجتماعی در تولید مسکن می توان مشکل توده های مردم را در تهیه مسکن به گونه ای واقعی حل کرد.

درسی از مکتب ارتجاع

بهر روز فرهیخته، آبان ۱۳۹۴

در پی کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ تهاجم همه جانبه ارتجاع در همه عرصه های اجتماعی به ضد توده های مردم گسترش یافت. اربابان رعایا را با شدت بیشتری به بند کشیدند. دولت به حقوق شهروندی مردم بیشتر تجاوز کرد. سرمایه داران به استثمار بیشتر کارگران پرداختند و با اتکا به اختناقی که دولت شاه با هدایت امپریالیسم آمریکا و انگلیس در ایران ایجاد کرده بود سعی در خفه کردن صدای اعتراض کارگران کردند. دولت ارتجاعی سلطنتی محمد رضا شاه تشکل های توده ای مستقل طبقه کارگر را که طی ۱۲ سال پیش از آن، پس از اختناق و استبداد رضا شاهی، به وجود آمده بود، برای تمام دوره سلطنت رژیم پهلوی از بین برد، و وارث آن رژیم جمهوری اسلامی شرایط اختناق و استبداد را به طور کامل گسترش داد به طوری که تا کنون ایجاد تشکل های توده ای مستقل طبقه کارگر در ایران پا نگرفت. علاوه بر اینها از کودتای ۲۸ مرداد تا کنون آزادی های اجتماعی و تشکیل احزاب واقعی و مستقل به محاق فرو رفته اند.

اما این همه ماجرا نبود و نیست. یکی از جنبه های مهم تبعی کودتای ۲۸ مرداد که اکنون به کریه ترین شکل خود را نشان می دهد تهاجم فرهنگی ارتجاع است که در قالب دین و مذهب اندیشه ترقی خواهی در جامعه ایران را هدف گرفت. مبارزه ارتجاعی ای که نه تنها با سقوط سلطنت پایان نیافت، بلکه با به وجود آمدن رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران ابعاد آن به گونه ای چند صد برابر افزایش یافته است. برخی از عوامل این مبارزه ارتجاعی فرهنگی هنوز زنده اند و در صف مهم ترین نقش آفرینان رژیم جمهوری اسلامی قرار دارند.

را بیشتر از همه، در میان دانشجویان دانشگاه‌های ایران و طلاب جوان حوزه‌ها، بویژه نسل جدید حوزه علمیه قم و دیگر شهرها داشت. روشنگری تدریجی افراد در واقع موجب بیداری و حرکت آنان گردید و در نهایت دیدیم که نه تنها اعضاء مجله مکتب اسلام، بلکه هواداران آن نیز در انقلاب اسلامی، و همکاری و همگامی با آن، پس از پیروزی، نقش اساسی به عهده داشتند...»

هادی خسروشاهی در پاسخ به سؤال درباره همکاران دیگر این نشریه می‌گوید: «افاضلی که بنده نام بردم در واقع مؤسسين اصلی مکتب اسلام بودند که هدف اصلی آنها فقط نشر یک مجله نبود بلکه برنامه‌های فرهنگی وسیعی داشتند که قرار بود تحت عنوان این سازمان یا مؤسسه - مکتب اسلام - انجام پذیرد. البته اساتید و دانشمندان دیگری هم به تدریج به عنوان افراد و شخصیت‌های مستقل غیر وابسته به سازمان مکتب اسلام، مقالاتی در مجله می‌نوشتند که اسامی بعضی از آنها - که به خاطرمانده - عبارت است از آیات عظام و حجج اسلام آقایان: علامه سید محمد حسین طباطبایی، لطف الله صافی گلپایگانی، سید موسی شبیری زنجانی، محمد موحدی لنکرانی، علی احمدی میانجی، احمد آذری قمی، سید مهدی روحانی، حسین شب زنده دار، شهاب‌الدین اشراقی، محمد جواد باهنر، عبدالمجید رشیدپور، سید غلامرضا سعیدی و... یعنی این بزرگان عضو هیئت تحریریه و مؤسس نبودند، اما با مجله همکاری داشتند و گهگاهی مقالاتی می‌نوشتند که در مجله درج می‌شد.»

(منبع: مجله مکتب اسلام به روایت هادی خسروشاهی، سایت تاریخ ایرانی - تأکید از ماست)

به تاسی از «مکتب اسلام» چندین نشریه حوزی دیگر در زمان حیات آیت الله سید حسین بروجردی مهم‌ترین مرجع تقلید شیعه در قم منتشر شد. مهم‌ترین این نشریات «مکتب تشیع» با خط پان اسلامیستی آیت الله روح الله خمینی نویسنده «کشف الاسرار» و «ولایت فقیه» بود. اکبر هاشمی رفسنجانی در رابطه با ایجاد «مکتب تشیع» می‌گوید: «زمانی که ما (آقایان باهنر، صالحی، مهدوی و من) می‌خواستیم مکتب تشیع را راه بیندازیم، یکی از اهدافمان این بود که پایگاه مطبوعاتی امام باشد.» عمده نویسندگان «مکتب تشیع» عبارت بودند از محمد حسین طباطبایی معروف به علامه طباطبایی، مرتضی مطهری، محمد حسینی بهشتی، سید

نبود بلکه به طور آشکار و پنهان این تلاش ارتجاعی را تقویت می‌کرد (مانند اعطای جایزه سلطنتی به کتاب محمد حسین طباطبائی و ناصر مکارم شیرازی).

از خرداد ۱۳۳۷ مجله «درس‌هایی از مکتب اسلام» که بعدها به نام «مکتب اسلام» درآمد با پشتیبانی آیت الله شریعتمداری انتشار یافت. تیراژ این نشریه پس از مدتی به بیش از صد هزار نسخه رسید. لبه تیز همه این تولیدات فکری به ضد اندیشه ترقی و به ویژه به ضد ماتریالیسم، سوسیالیسم و کمونیسم بود. این دور از تهاجم ارتجاع به اندیشه مترقی بی سابقه نبود. بسیار پیش از اینها این تهاجم ارتجاعی با کتاب «نچریه یا مادیگری» سید جمال‌الدین اسدآبادی یا افغانی که یکی از نخستین نیاکان پان‌اسلامیسم کنونی است، آغاز شده بود.

مجله «درس‌هایی از مکتب اسلام» از سال ۱۳۳۷ توسط آخوندهائی از حوزه قم مانند سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، مجدالدین محلاتی، ناصر مکارم شیرازی، جعفر سبحانی، حسین نوری، محمد واعظ زاده خراسانی، سید موسی صدر، سید مرتضی جزائری و علی دوانی پایه گذاری شد. علاوه بر آیت الله شریعتمداری که پشتیبان معنوی و واقعی مجله به شمار می‌رفت، هیئت مالی مجله، که پشتوانه مالی مجله را تشکیل می‌داد، عمدتاً از سرمایه داران آذربایجانی و مقلدان آیت الله شریعتمداری بودند. این هیئت مالی عبارت از سرمایه دارانی مانند حاج مجید پرکار، حاج اسماعیل سیگاری، حاج فرج نعمت‌زاده، حاج موسی ابریشمچی، حاج سید مصطفی عالی نسب، حاج ابوالفضل احمدی، حاج کریم انصارین، حاج حسین کاغذیان، حاج بیوک جورابچی، حاج عباسعلی خامه چی، حاج محمد کلاهی و... بودند.

سردبیری «درس‌هایی از مکتب اسلام» و سپس صاحب امتیازی آن با آیت الله ناصر مکارم شیرازی بود. به گفته هادی خسروشاهی این مجله تنها دو بار در سال‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ و آن هم در اعتراض به کشف حجاب به مدت کوتاهی توقیف شد.

هادی خسروشاهی روایت نویس «مکتب اسلام» می‌گوید: «مهم‌ترین ویژگی مجله، آموزش و روشنگری و تربیت عملی جوانان اسلام‌گرا بود... اگر آمار دقیق جامعه‌شناسانه‌ای تهیه شود، نقش مکتب اسلام و آموزش‌های آن، در پیدایش نسلی که در قلب انقلاب قرار گرفتند روشن خواهد شد. البته مکتب اسلام این نقش

ابوالفضل موسوی زنجانی، محمد جواد باهنر و مهندس مهدی بارزگان. رفسنجانی می گوید تیراژ اولین شماره «مکتب تشیع» ۱۰ هزار نسخه بود که دوباره با ۱۵ هزار نسخه تجدید چاپ شد. شماره های «مکتب تشیع» از اشخاصی مقالاتی دارد که ما تنها به نام برخی از آنان و مقالاتشان در زیر اشاره می کنیم.

در شماره نخست «مکتب تشیع»: از محمد رضا صالحی کرمانی مقاله «نظام اقتصادی کمونیزم - سرمایه داری - اسلام»؛ از صالحی نجف آبادی مقاله «یک نیروی مرموز» که درباره فلاسفه الهی و فلاسفه مادی است؛ از محمد بهشتی مقاله «حکومت در اسلام»؛ از مهندس مهدی بارزگان مقاله «بعد چهارم» که درباره «حس مذهبی یا بعد چهارم روح انسانی» است؛ از احمد آذری قمی مقاله «یکی از وظایف ما»؛ از سید محمد حسین طباطبایی معروف به علامه طباطبایی مقاله «غرض از آفرینش»؛ از «یکی از علما و دانشمندان حوزه علمیه» مقاله «پرتوی از انوار آسمانی» که بحثی درباره نظام اشتراکی است.

در شماره دوم «مکتب تشیع»: از سید غلامرضا سعیدی مقاله «ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم» در قسمت دوم این مقاله از نظر اسلام درباره ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم سخن گفته می شود؛ از «یکی از علمای بزرگ تهران» مقاله «در پیرامون شرکت بانوان در امور اجتماعی»، «مکتب تشیع» در ابتدای این مقاله می نویسد: «این مقاله به دنبال جار و جنجال سال گذشته در مورد آزادی زنان توسط نویسندگان دانشمند آن تهیه شده بود و چون مطالب دانستنی و شنیدنی قابل توجهی داشت اقدام به درج آن گردید.»؛ از احمد راد مقاله «رابطه عقل و دین» که دفاعی است از ایده آلیسم دینی؛ از محمد حسین طباطبایی مقاله «اثر ایمان بر رستاخیز»؛ از محمد بهشتی قسمت دوم مقاله «حکومت در اسلام» که در آن حکومت الهی را بر هر حکومت دیگری ارجح می داند؛ از احمد سعیدی مقاله «زندگانی خانوادگی در دنیا دچار انقلاب و بحران عظیمی شده است» این مقاله از از بین رفتن خانواده در دنیای معاصر شکایت دارد؛ از سید محمود طالقانی مقاله «پدیده دین - آیه فطرت»؛ و از مقاله «نظری به آن طرف "قوانین طبیعی"» ترجمه احمد آرام.

در شماره سوم «مکتب تشیع»: از مرتضی مطهری مقاله «توحید و تکامل»؛ از محمد تقی جعفری تبریزی مقاله «مرگ در نظر

علی (ع)» که نظر علوم طبیعی و فلسفه را در مورد مرگ به مسخره می گیرد؛ از «یکی از علمای بزرگ زنجان مقیم تهران» مقاله «حق طلاق» که دفاعی است از حق طلاق اسلامی؛ از محمد بهشتی قسمت سوم مقاله «حکومت در اسلام».

در شماره ششم «مکتب تشیع»: از اکبر هاشمی رفسنجانی مقاله «شیعه و مرجعیت»؛ از مرتضی مطهری مقاله «اصل اجتهاد در اسلام»؛ از سید محمود طالقانی مقاله «خاتمیت و اجتهاد زنده»؛ از سید ابوالفضل موسوی زنجانی مقاله «اسلام و نظام بردگی» که توجیه قبول نظام بردگی در اسلام است.

در شماره نهم «مکتب تشیع»: از مرتضی مطهری مقاله «حق عقل در اجتهاد»؛ از محمد جواد حجتی کرمانی مقاله «زن از نظر علی علیه السلام» که خطاب «به طرفداران تساوی حقوق زن و مرد است» و از نظر اسلام این تساوی را مردود می داند؛ از محمد رضا صالحی کرمانی مقاله «لزوم یک جهش تبلیغاتی» که ایجاد یک سازمان بزرگ تبلیغات اسلامی را برای پیشبرد مبارزه اسلامی ضروری می داند؛ از مهدی حائری یزدی مقاله «اسلام و اعلامیه حقوق بشر» که اعلامیه حقوق بشر را به خاطر آنکه قانونی بشری است نفی می کند؛ از سید ابوالفضل موسوی زنجانی مقاله «منع تعدد زوجات یا جنگ با طبیعت».

در شماره دهم «مکتب تشیع»: از محمد جواد حجتی کرمانی مقاله «اسلام چگونه جامعه می سازد» این مقاله با فرض فطری بودن دین نتیجه می گیرد که دین باید مسلماً اجتماعی باشد و بنابراین قوانین دین باید بر جامعه حاکم باشد؛ از سید هادی خسروشاهی مقاله «دومذهب» که مقایسه مسیحیت به عنوان عامل ارتجاع و امپریالیسم با دین اسلام است که در راه ملت ها و برای توده هاست؛ از سید ابوالفضل موسوی زنجانی مقاله «نظام اجتماعی اسلام»؛ از صالحی نجف آبادی مقاله «گوشه ای از سیاست خارجی اسلام» که در آن بحث بر سر تفاوت پیمان های نظامی با کشورهای اسلامی و غیر اسلامی است.

در شماره یازدهم «مکتب تشیع»: از محمد بهشتی مقاله «بانکداری و قوانین مالی اسلامی»؛ از طباطبایی مقاله «منعه یا ازدواج موقت».

ما در بالا تنها به برخی از مقالات «مکتب تشیع» از سال ۱۳۳۸ تا سال ۱۳۴۴ اشاره کرده ایم. در همه این مقالات زمینه های

خیزش ارگان کارگران انقلابی متحد ایران

است عنوان کرد: در برخی از کتاب‌های علوم انسانی که اساتید در دانشگاه‌ها تدریس می‌کردند به موضوع مذهب بسیار کم می‌پرداختند.» «آیت‌الله مکارم شیرازی به برخی از افکار غرب در مورد جایگاه علوم انسانی اشاره کرد و ادامه داد: برای جلوگیری از نفوذ آینده تفکر غرب در میان مردم باید علت بعثت انبیا، آمدن پیامبران و نزول کتاب آسمانی را برای مردم تشریح کنیم.»

اینکه پس از ۶ دهه هنوز هم همه نیروهای ارتجاعی مانند سرمایه داران، روحانیان، زمینداران، بورکرات‌ها و رده‌های بالای نظامی و غیره در مبارزه با طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان و روشنفکران با هم متفق و متحد اند، باید درسی برای جبهه انقلاب باشد!

برخورد دولت و متولیان دین و مذهب به علوم انسانی و علوم تجربی متفاوت و دوگانه است. اینان ظاهراً برای برخی علوم تجربی - تا آنجا که کاربرد نظامی و تا حدودی صنعتی و پزشکی دارند - حدی از آزادی اندیشه و عمل، قائلند، در حالی که در برخورد با علوم انسانی تا آنجا پیش می‌روند که می‌خواهند علوم به اصطلاح دینی را جانشین علوم انسانی کنند. اما در ایران، جالب اینجاست تا آنجا که به دانشگاه‌ها مربوط می‌شود اغلب این دانشجویان علوم تجربی بوده‌اند که پرچم مبارزه با اختناق و استبداد را برافراشته نگاه داشته‌اند. برخورد متفاوت و دوگانه به آزادی در جامعه هرگز راهگشای نهایی استبداد نبوده و نمی‌تواند باشد.

افشای همه جانبه و بی‌رحمانه رژیم ارتجاعی و آزادی‌گش جمهوری اسلامی در تمام عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یکی از وظایف دائمی و اجتناب‌ناپذیر کمونیست‌ها و همه آزادیخواهان است. یک وظیفه بزرگ و اجتناب‌ناپذیر دیگر کمونیست‌ها مبارزه با ایده آلیسم و دیدگاه‌های متافیزیکی، ترویج ماتریالیسم بر اساس آخرین دستاوردهای شناخت بشری در حوزه‌های علوم طبیعی، تاریخ، مردم‌شناسی، اقتصاد، جامعه‌شناسی، روانشناسی و غیره است. مبارزه با ایده آلیسم و دیدگاه‌های متافیزیکی و به‌طور مشخص مبارزه با اندیشه مذهبی که همواره در طول تاریخ ابزار در دست طبقات استثمارگر و مرتجع برای بهره‌کشی از زحمتکشان و سرکوب و

اساسی مبارزه ایدئولوژیک روحانیت اسلامی برای ایجاد حکومت اسلامی به خوبی ملاحظه می‌شود به طوری که در یک کلام می‌توان از آنها به عنوان مبارزه برای تحقق این نوع حکومت یا به قول لنین پان اسلامیسیم نام برد و می‌بینیم که این مبارزه پان اسلامیستی تا چه حد دیر پا بوده است. اما بخش قابل ملاحظه‌ای از چپ ایران هنوز از قافله درک این موضوع عقب است؛ به طوری که حتی به نفوذ عمیق مذهب در جامعه ایران و به نقش عظیم ارتجاعی نهادها و شخصیت‌های مذهبی در تخدیر افکار عمومی توجه ندارند و در نتیجه مبارزه تئوریک با دین و مذهب را در راستای مبارزه طبقاتی سرسری می‌گیرد.

روزنامه اطلاعات در سه شنبه ۷ فروردین ۱۳۳۵ می‌نویسد: «کتاب "فیلسوف‌نماها" تألیف آقای ناصر مکارم شیرازی که برنده جایزه اول سلطنتی سال گردید به سبک رمان نگارش یافته و مکتب کمونیسم را از جنبه فلسفی مورد تجزیه و تحلیل و انتقاد قرار داده است. ... روز اول فروردین، هنگامی که برندگان جایزه سلطنتی برای دریافت جوایز خود شرفیاب شدند، اعلاحضرت از آقای مکارم شیرازی سؤال فرمودند که "شما از کجا به این فکر افتادید؟" آقای مکارم شیرازی توضیح داد که چندی به این طرف در حوزه علمیة قم عده‌ای از طلاب علوم به مطالعه در باب مکاتب فلسفی همت گماشته و به خصوص در اطراف مکتب ماتریالیسم که اساس مکتب کمونیسم می‌باشد به مطالعه و تحقیق پرداخته‌اند.»

ناصر مکارم شیرازی که مدتی است به آیت‌الله عظمای تبدیل شده متولد سال ۱۳۰۵ و دارای خاستگاه طبقاتی بورژوازی تجاری است.

خبرگزاری فارس در ۱۲ آبان ۱۳۹۴ از قول ناصر مکارم شیرازی که اکنون از او به عنوان یکی از مراجع تقلید شیعیان نام می‌برند می‌گوید که او در اختتامیه سومین کنگره علوم انسانی اسلامی و اهدای دومین جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی تأکید کرد: «باید علاوه بر پالایش علوم انسانی فعلی، از نفوذ مجدد این افکار جلوگیری شود.» او در این کنگره افزود: «در مرحله نخست باید کتاب‌های علوم انسانی پالایش و در مرحله دوم برای جلوگیری از نفوذ مجدد این افکار جلوگیری شود.» خبرگزاری فارس می‌نویسد: «این مرجع تقلید با تأکید بر اینکه تفکر مادی غرب از دوران پیش از انقلاب در میان مردم جامعه اسلامی نفوذ پیدا کرده

به اسارت کشاندن جسم و روح انسان ها، به ویژه زنان بوده است، و نشان دادن پیوند درونی این تفکر و نهادهای مدافع آن با منافع استثمارگرانه سرمایه داران و زمینداران بخشی از مبارزه تاریخی پرولتاریا برای آزادی خود و تمام بشریت از استثمار و نظام طبقاتی است.

چهار شعر از ناظم حکمت

ترجمه یحیی سمندر

نامه ای به زنم

(زندانبورسا)

۱۱ نوامبر ۱۹۳۳

یگانه من

در آخرین نامه ات به من می گوئی

«سرم می ترکد، قلبم از هم می پاشد»

می گوئی

«اگر ترا به دار آویزند،

من خواهم مرد.»

همسرم تو زنده خواهی ماند

یاد من همچون دودی سیاه

در میان باد محو خواهد شد.

زنده خواهی ماند خواهر سرخ موی قلبم

تلخی مرگ در قرن بیستم

حد اکثر یک سال طول می کشد.

مرگ،

مرده ای آویزان به یک ریسمان،

به چنین مرگی دلم راضی نیست

اما

مطمئن باش دلبندم

اگر دست سیاه و پشمالوی کولی بدبختی

سرانجام ریسمانی برگردنم بگذراند

دشمنان در چشمان ناظم

بیهوده در جستجوی ترس خواهند بود

در تاریکی واپسین صبحگاه

دوستانم و ترا خواهم دید

و تنها حسرتی که به زیر خاک خواهم برد

حسرت آوازی ناتمام خواهد بود.

دلبندم

زنبور زرین قلبم

زنبوری با چشمان شیرین تر از عسل

چرا به تو نوشتم که خواهان اعدام من اند؟

محاكمه تازه آغاز شده

سر یک آدم را مانند شلغم

نمی کنند.

نگران نباش

احتمال اعدام دور است.

اگر پول داری

زیرپوش فلانلی برایم بخر

درد سیاتیکِ رانم دوباره شروع شده

و فراموش نکن که زن یک زندانی

همواره باید به چیزهای خوب بیاندیشد.

عجیب ترین موجودات

[۱۹۴۷]

مثل عقرب، برادرم

تو مثل عقربی

در یک شب وحشت.

مانند گنجشکی برادرم

گنجشکی با خرده نگرانی هایش.

مانند صدفی برادرم

صدفی در خود فرو رفته و آرام.

تو مهبیبی برادرم

همچون دهان آتشفشانی خاموش.

تو یکی نیستی، افسوس

نه پنج تا

تو میلیون هائی.

تو همچون گوسفندی برادرم

هنگامی که دژخیم که از پوست تو جامه بر تن کرده

هنگامی که سلاخ چماقش را بلند می کند

با شتاب وارد گله می شوی

و مغرورانه و دوان دوان به کشتارگاه می روی.

خلاصه، تو عجیب ترین موجودی،

طرفه تر از ماهی ای

که در دریا زندگی می کند بی که بداند دریا چیست.

و اگر این همه بدبختی بر روی زمین هست

به خاطر توست برادرم،

اگر گرسنه و فرسوده ایم،

اگر پوستمان را تا خون کننده اند،

اگر مانند خوشه انگور برای کشیدن شراب له مان می کنند،

تا آنجا پیش نمی روم که بگویم تقصیر توست

اما نقش تو هم زیاد است برادرم.

آنزین صدی

[۱۹۴۸]

اگر نیمی از قلب من اینجاست، دکتر

نیم دیگرش در چین است،

در ارتش [آزادی بخش توده ای] که به سوی رود زرد در

حرکت است. (۱)

و صبح دکتر

قلبم در یونان

تیرباران می شود. (۲)

و هنگامی که زندانی ها به خواب می روند

هنگامی که آرامش به بهداری زندان باز می گردد

قلب من به سفر می رود دکتر،

هر شب می رود

به خانه های چوبی قدیمی چاملیجا. (۳)

دیگر اینکه ده سال است دکتر،

که در دست من چیزی نیست که به مردم ام هدیه کنم

جز یک سیب: قلبم.

به خاطر این است دکتر

نه فانوسی در کوچه هایش

نه شیشه ای بر پنجره هایش

اما توده انسانی امید دارد

بی امید نمی توان زیست.

(۱) اشاره به پیشروی عظیم ارتش آزادی بخش توده ای چین به رهبری حزب کمونیست آن کشور به سوی جنوب و شکست و تار و مار شدن میلیون ها سرباز چیان کایشک و فرار بازمانده های آنان به فرمز است. برای توضیح بیشتر به نوشته های مائو در سال ۱۹۴۸، مثلاً به «تغییر عظیم در وضعیت نظامی چین» (۱۴ نوامبر ۱۹۴۸) و «انقلاب را به سرانجام برسانیم» (۳۰ دسامبر ۱۹۴۸) می توان رجوع کرد. این دو نوشته را در جلد چهارم منتخب آثار مائو، ترجمه فارسی، اداره نشریات زبان های خارجی، پکن، سال ۱۹۷۵، می توان یافت.

(۲) اشاره به جنگ داخلی یونان (۱۹۴۶-۱۹۴۹) است. این جنگ داخلی بین ارتش حکومت یونان با حمایت امپریالیسم انگلیس و آمریکا و «ارتش دموکراتیک یونان» که توسط حزب کمونیست آن کشور و نیروهای مقاومت ضد فاشیستی یونان تشکیل شده بود جنگی بسیار خونینی بود که به کشتار و اعدام حدود چهل هزار تن از نیروهای «ارتش دموکراتیک یونان» و بازداشت بیش از بیست هزار تن انجامید. پس از پیروزی نظامی ارتش یونان و حامیان امپریالیست اش در این جنگ، یونان به سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) پیوست.

(۳) تپه ای در بخش آسیائی استانبول به ارتفاع ۲۶۸ متر از سطح دریا که مشرف به بوسفور است و چشم انداز زیبایی دارد.



و نه به علت تصلب شرایین، نیکوتین یا زندان

که دچار آنژین صدری شده ام.

شب را از لابلای میله ها می نگرم

و به رغم دیوار هائی که بر سینه ام سنگینی می کنند،

قلبم با دورترین ستاره می تپد.

توده انسانی

[۱۹۵۸]

توده انسانی بر عرشه کشتی ها سفر می کند

در قطار درجه سه

یا پای پیاده در جاده ها

توده انسانی.

توده انسانی از هشت سالگی به سر کار می رود

در بیست سالگی ازدواج می کند

و در چهل سالگی می میرد

توده انسانی.

نان برای همه هست

جز برای توده انسانی

برنج هم

شکر هم

پارچه هم

کتاب هم

برای همه به اندازه کافی هست جز برای توده انسانی.

سایه ای بر زمین توده انسانی نیست

خیزش ارگان کارگران انقلابی متحد ایران

استقبال از روحانی، افتخاری برای فرانسه نیست!

Accueillir un criminel, n'est pas un honneur pour
la France !

زنده باد همبستگی کارگران فرانسه و ایران

Vive la solidarité des travailleurs français et
iraniens

احترام کامل و بی قید و شرط به حقوق کودکان در ایران

Le respect total et inconditionnel des droits des
enfants en Iran

آزادی سازمان های سیاسی و انجمن های فرهنگی و اجتماعی

Pour la liberté des formations politiques,
associatives, culturelles et sociales

کارگران زندانی را آزاد کنید!

Libérez les travailleurs emprisonnés en Iran !

معلمان زندانی را آزاد کنید!

Libérez les enseignants emprisonnés en Iran !

دانشجویان زندانی را آزاد کنید!

Libérez les étudiants emprisonnés en Iran !

روزنامه نگاران زندانی را آزاد کنید!

Libérez les journalistes emprisonnés en Iran !



کارزار اعتراضی به 37 سال جنایات رژیم جمهوری

اسلامی ایران

به مناسبت سفر روحانی به فرانسه

به مناسبت سفر حسن روحانی به فرانسه، سه تظاهرات اعتراضی از جانب بیش از 20 سازمان، گروه و انجمن سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و با حمایت چندین حزب و سازمان های سیاسی و کارگری فرانسه و نیز پشتیبانی شماری از احزاب، سازمان ها و انجمن های ایرانیان مقیم خارج سازماندهی شده است. این تظاهرات ها روز یکشنبه، 15 نوامبر 2015 در پاریس، میدان جمهوری (رپوبلیک)، از ساعت 13 تا 15؛ روز دوشنبه 16 نوامبر از ساعت 9 صبح تا 17، نزدیک یونسکو و سه شنبه 17 نوامبر از ساعت 15 تا 17 در میدان انولید، پاریس هفتم برگزار خواهند شد. برخی از شعارهای این تظاهرات چنین اند:

سرنگون باد جمهوری اسلام ایران

A bas la république islamique d'Iran

نه به مجازات اعدام

Non à la peine de Mort!

برابری زن و مرد در ایران

Pour l'égalité homme-femme en Iran

آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران

Libérez les prisonniers politiques et d'opinion en
Iran

حق خلق ها در تعیین سرنوشت خود یکی از عناصر اصلی

دموکراسی در ایران است

Le droit des peuples à l'autodétermination est un
des éléments principaux de la démocratie

روحانی کارگزار کشتار مردم کرد در ایران است!

Rohani, agent de carnages des Kurdes en Iran!

**A bas la République
islamique en Iran!**

سرنگون باد نظام
جمهوری اسلامی در ایران!

**Accueillir Rouhani,
c'est accueillir un agent de
carnage des Kurds en Iran!**

استقبال از روحانی، استقبال از
یک کارگزار کشتار مردم کرد
در ایران است!

**Accueillir Rouhani,
c'est accueillir un
opresseur des femmes!**

استقبال از روحانی، استقبال از
سرکوبگر زنان در ایران است!

**Accueillir un assassin,
c'est une honte pour la
classe dirigeante en France!**

استقبال از یک آدمکش،
ننگی برای طبقه حاکم فرانسه است!

**Accueillir un criminel,
ce n'est pas un honneur
pour la France!**

استقبال از یک آدمکش،
افتخاری برای فرانسه نیست!

روحانی: نماینده رژیم اسلامی متکی بر اعدام،
شکنجه، سنگسار، اختناق، سانسور و ترور
در پاریس!

کارگران انقلابی متحد ایران

**Vive la solidarité
internationale
des travailleurs!**

زنده باد همبستگی
بین المللی کارگران!

**Vive la solidarité des travailleurs
français avec la lutte révolutionnaire
du peuple contre le régime iranien!**

زنده باد همبستگی کارگران فرانسه
با مبارزات انقلابی مردم
به ضد رژیم حاکم بر ایران!

**Rouhani est représentant d'un
régime islamique appuyé sur
exécution, torture, lapidation,
répression, censure et terreur!**

روحانی نماینده رژیم اسلامی
متکی بر اعدام، شکنجه، سنگسار،
اختناق، سانسور و ترور است!

**Rouhani est un agent
de la réaction barbare du
régime islamique en Iran!**

روحانی کارگزار ارتجاع وحشیانه
رژیم اسلامی در ایران است!

**Accueillir Rouhani,
c'est accueillir un tueur
des travailleurs en Iran!**

استقبال از روحانی، استقبال از
قاتل کارگران در ایران است!

هنگامی که توده های کارگر آذرخش اندیشه انقلاب اجتماعی را جذب کنند، توفان انقلاب جامعه را از استثمار و ستم پاک خواهد کرد

